

شهادت ۳۹ فلسطینی در حملات جدید رژیم صهیونیستی به غزه

منابع بیمارستانی اعلام کردند که در حملات ارتش رژیم صهیونیستی به نوار غزه تا این لحظه ۳۹ فلسطینی به شهادت رسیدند. به گزارش فلسطین الیوم، منابع بیمارستانی اعلام کردند که ۳۵ نفر از این افراد در حملات به شمال نوار غزه شهید شدند. حمله رژیم صهیونیستی به مدرسه‌ای که آوارگان فلسطینی در شهرک غزبه واقع در بیت حانون در آن مستقر بودند نیز چندین شهید

و مجروح بر جای گذاشت. این درحالی است که ارتش اشغالگر رژیم صهیونیستی از ۲۰ روز پیش حلقه محاصره اردوگاه جبالیا در شمال نوار غزه را تنگ تر کرده و دست به نسل‌کشی و جنایات بی سابقه‌ای در این منطقه زده است. در این ۲۰ روز هزاران نفر از جمله شمار زیادی زن و کودک به خاک و خون کشیده شدند و این اردوگاه تقریباً به طور کامل تخریب شده و چیزی از آن باقی نمانده است. به گزارش

کارشناسان بین الملل در میزگرد بررسی شرایط سوریه مطرح کردند:

ارتش سوریه چگونه فرو ریخت



❏ دکتر قادری، به تلاش دشمنان برای دست‌کاری افکار عمومی و هدف قرار دادن بنیان‌های ذهنی آنها از طریق جعل یا تحریف واقعیات سخن گفتند. نمونه این ماجرا را ما در بحران‌های جاری در سوریه مشاهده کردیم. نظر شمارد این خصوص چیست؟



دکتر سیدسجاد واعظ: همان‌گونه که اشاره شد، دشمن در جنگ روانی علیه افکارعمومی، از شگردها و تاکتیک‌های گوناگونی استفاده می‌کند اما آنچه ما باید در عرصه جنگ شناختی نسبت به آن هوشیار باشیم، پرهیز از رویکردهای متناقض و تفسیر متفاوت است. توصیف‌های متفاوت از یک میدان حساس، مانند آنچه امروز در سوریه رخ می‌دهد، افکار عمومی را مخدوش ساخته و در مخاطبان اغشاش فکری ایجاد می‌کند. باید از این مرحله عبور کرد. نکته مهم‌تر این‌که قطعاً روایت تیم رسانه‌ای دشمنان از تحولات منطقه، آمیخته به دروغ‌ها و انحرافات آشکاری بوده و ما نباید در داخل کشور، این روایات دروغ را بازتشر داده یا مبنای تحلیل‌های بعدی خود قرار دهیم. ما حتی در اردوگاه دشمنان مشاهده می‌کنیم که در بزرنگاه‌های مهم، خطوط قرمزی برای روایت‌سازی واحد از یک واقعه (حتی روایتگری دروغ از آن) وجود دارد که اکثر رسانه‌ها به آن پایبند هستند. در جریان تحولات اخیر سوریه، ما این بازی دشمن را حتی از قبل از آغاز دور جدید حملات گروه‌های معاند، تروریست‌ها و دیگر

الجزیره، بهیادهای اسرائیلی همچنین به بمباران منازل مسکونی در اطراف بیمارستان کمال عدوان در بیت لاهیا واقع در شمال نوار غزه اقدام کردند. این خبرگزاری همچنین از حمله بالگردهای اسرائیلی به چادر محل اسکان آوارگان در غرب شهر دیر البلیح در مرکز نوار غزه خبر داد. حملات گسترده رژیم صهیونیستی به غرب اردوگاه النصیرات واقع در مرکز نوار غزه نیز همچنان ادامه دارد.

دکتر احد نوری: جمهوری اسلامی ایران در سه مرحله مهم، قدرت سخت خود را به منصفه ظهور رسانده است. یکی در تغییر رویکرد از وابستگی به استقلال. این مهم، پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به وقوع پیوست. دومی، در استفاده از ابزارها و تجربیات جدید از جمله دوران جنگ تحمیلی و حرکت به سوی خودکفایی در استفاده از فناوری‌های نوین پهبادی و موشکی است؛ سومین مولفه نیز تعریف ابزارهای نوین در بطن دغدغه‌های سرزمینی و منطقه‌ای و جمعی است. شکل‌گیری جبهه مقاومت و استمرار حیات آن را باید در این چارچوب مورد توجه و تحلیل قرار داد.

این قدرت سخت چندلایه، با هدف مواجهه با توطئه‌های منطقه‌ای دشمنان (از جمله نقشه تجزیه منطقه) شکل گرفت اما اکنون در کنار این قدرت سخت، با مقوله‌ای تحت عنوان قدرت نرم و رسانه مواجه‌ایم. در اینجا انتقادی وجود دارد که باید آن را جدی گرفت. ما در حوزه رسانه، آن هم در بزرنگاه‌ها و شرایط بسیار حساس و سرنوشت‌ساز عملاً بازیگر تنظیم‌کننده و متولی نداریم. در چنین شرایطی، خطوط فکری و رسانه‌ای که باید ناظر بر انسجام ملی و خنثی‌سازی بازی تبلیغاتی دشمن شکل گیرد، تثبیت نمی‌شود و روایتگری‌ها و بعضاً روایت‌سازی‌های داخلی، جایگزین این انسجام می‌شود. ما در حوزه رسانه، هم نیاز به سرعت عمل و هم نیاز به انسجام داریم.

❏ در این عرصه باید کنشگر باشیم و صرفاً واکنش‌های حوزه رسانه‌ای و تبلیغاتی خود را معطوف به کنش دشمن صورت ندهیم اما آیا واقعا شاهد تحقق چنین موضوعی هستیم؟

آیا در جریان بحران جاری در سوریه، این وحدت رویه لازم‌آورد در بافت رسانه‌ای کشور وجود دارد؟ ما قدرت سخت مؤثری داریم که باید برای آن پیوست رسانه‌ای مؤثر و همسانی ایجاد شود، نگاه صفر و یکی نسبت به تحولات، گروه‌ها و افرادی که در این نسبت دخیل هستند، منجر به ارائه نشانی‌های سردرگم کننده به افکار عمومی می‌شود. باید این قواعد را به صورتی جدی مد نظر قرار داد.

ما حتی در تبیین اقدامات خود برای افکار عمومی جامعه و منطقه، عملکرد مطلوبی نداشته‌ایم. به عنوان مثال، جمهوری اسلامی

ایران اولین کشوری بود که در سال ۲۰۱۰ میلادی، پیشنهاد اصلاح قانون اساسی سوریه را مطرح کرد اما کمتر کسی نسبت به این موضوع آگاه است. بدون شک تثبیت جایگاه یک نهاد بالادستی در تنظیم رویکرد رسانه‌ای (خصوصاً در قبال حوادث مهم)، گذار از رویکرد سلبی (واکنش محور) به ایجابی (کنش‌گرایانه)، خلق سناریوهایی واقع‌بینانه و خلاقانه درخصوص آینده و پرهیز از نگاه صفر و یکی در حوزه رسانه، از جمله راهکارهایی است که باید نسبت به آنها توجه داشته باشیم.



جنگ شناختی و روانی دشمنان امنیت منطقه، یکی از ابعاد واضع اصلی نقشه راه آنها در تقابل مطلق با جبهه مقاومت محسوب می‌شود. به طور کلی، اقدامات عملیاتی و تروریستی دشمنان در جای جای دنیا، در طول دهه‌های گوناگون، همواره دارای ابعاد و پیوست تبلیغاتی و رسانه‌ای بوده که هدف از آنها، تغییر باورهای عمومی و القای روحیه یأس و ناامیدی در میان شهروندان کشورها و مناطق هدف است. در این خصوص، بخش بین‌الملل روزنامه جام جم می‌گذرد ی با حضور دکتر علی قادری، دکتر احد نوری و دکتر سیدسجاد واعظ لیواری از تحلیلگران ارشد مسائل منطقه و حوزه روابط بین الملل برگزار کرده که از نظر تان می‌گذرد.

❏ صورت‌بندی تحولات جاری در منطقه، از ابعاد عمیق جنگ روانی و شناختی دشمنان پرده برمی‌دارد. جایگاه مولفه‌های جنگ شناختی آمریکا، رژیم صهیونیستی و متحدان آنها را در تحولات ماه‌های گذشته و اخیر در منطقه غرب آسیا چگونه تفسیر می‌کنید؟



دکتر علی قادری: در علوم شناختی و در حوزه جنگ نرم، ما با کلیدواژه‌ای تحت عنوان افناع افکار عمومی مواجه هستیم. این کلیدواژه از اهمیت وافی در فرامتن تحولات برخوردار است. در چنین معادله‌ای، شکل‌دهی افکار عمومی و افناع آنها، حداقلص و خط‌واسط میان رویکرد

خواب تروریست‌های تکفیری در سوریه



نیروهای صهیونیست صورت نمی‌گیرد؟

❏ سکوت برای چیست؟

نگاهی به اوضاع کنونی در سوریه نشان می‌دهد ماجرای این کشور سناریویی از پیش تعیین‌شده توسط آمریکا بوده است. زمانی که صهیونیست‌ها در باتلاق لبنان و در برابر مقاومت جانانه حزب... قرار گرفتند، با اعلام آتش بس تاکتیکی، زمینه‌ساز حمله گروه‌های تروریستی- تکفیری به ویزه تحریرالشام شدند. در حقیقت، حرکت گروه‌های تروریستی تحریرالشام به عنوان جاده‌صاف‌کن در راستای

اهداف و نقشه جبهه استکبار انجام شد و اتاق فرمان در دستان آنان بود. این گروه‌ها که مدعی نجات سوریه بودند، پس از به‌دست‌گرفتن قدرت در این کشور، نسبت به حملات رژیم صهیونیستی و خسارات وارده به زیرساخت‌ها سکوت کرده‌اند. اکنون این سؤال مطرح است که برای حال و آینده چه برنامه‌ای دارند؟ جشن و پایکوبی این گروه‌ها در سوریه در حالی برگزار می‌شود که همچنان شاهد حضور اسرائیل، ترکیه و آمریکا و حملات هوایی در بخش‌های مختلف کشور هستیم. یکی از مسائلی که هم‌اکنون مورد تردید قرار دارد، این است که آیا این بی‌مقاومتی زمینه‌ساز استقرار و حاکمیت صهیونیست‌ها در سوریه نیست؟ اگر نیروهای رژیم صهیونیستی دمشق، پایتخت سوریه را به تصرف خود درآورند، حضور این نیروهای تکفیری در کشور چه معنایی خواهد داشت؟ اکنون شاهد هستیم سه بازیگر در میدان امروز سوریه یعنی ترکیه، رژیم صهیونیستی و آمریکا با بمباران مناطق مختلف سوریه به بهانه حفاظت از منافع خود، پس از حمله برق‌آسای معارضان سوری که سبب سقوط یکباره اسد شد، نه‌تنها برنامه‌ای برای خروج ندانند، بلکه حضور خود را هم پررنگ‌تر کرده‌اند. این درحالی است که

براساس قوانین بین‌المللی، حمله به یک کشور همسایه و نابودی ظرفیت‌های نظامی آن اقدامی تجاوزکارانه محسوب می‌شود. اما همان‌طور که در طول یک سال گذشته مشاهده کردیم، جامعه بین‌المللی با توجیه این حملات، نگاهی و استاندارد متفاوت برای اسرائیل در نظر گرفته است. به نظر می‌رسد که آنچه این گروه‌ها درک نمی‌کنند، این است که پیش از پایان حکومت اسد، دیگر بازیگران خارجی برای شکل دادن به آینده سوریه با یکدیگر به رقابت خواهند پرداخت. صرف‌نظر از این‌که چه کسی در نهایت زمام امور را در دولت دمشق به دست بگیرد، اسرائیل از هرج‌ومرج حاصل از سقوط اسد برای اطمینان از عدم حفظ ظرفیت نظامی سوریه بهره‌برداری کرده و در این راستا از حمایت تلویحی جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا نیز برخوردار است که همواره بر حق تل‌آویو برای دفاع از خود در برابر تهدیدات احتمالی تأکید کرده است. بنابراین، شواهد و قرائن موجود نشان می‌دهد که اگر این گروه‌ها در آینده در مسند قدرت باقی بمانند، باید به عنوان دست‌نشانده‌ای تحت حاکمیت و سلطه صهیونیست‌ها از این دستاورد خود بهره‌برداری کنند.

ترامپ ونوجه‌های اروپایی‌اش

هرچند که بسیاری معتقدند در دوره ترامپ، راست افراطی در اروپا جسورتر می‌شود اما به نظر می‌رسد که سیاست‌های ترامپ دوران بسیار سختی را برای افراط‌گرایان در قاره سبز رقم خواهد دزد. روی کار آمدن دوباره دونالد ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور، می‌تواند تحولات عمیقی را در صحنه سیاسی و اقتصادی اروپا به وجود آورد. از آنجاکه ترامپ به عنوان یک شخصیت جنجالی و افراطی شناخته می‌شود، انتخاب مجدد او می‌تواند بر جریان‌های سیاسی افراطی در اروپا تأثیرات قابل‌توجهی بگذارد. جریان‌هایی که اغلب به ناسیونالیسم، پوپولیسم، ضداتحادیه اروپا و سیاست‌های مهاجرتی سخت‌گیرانه اعتقاد دارند و باید دید چه رویکردی را در قبال آمریکا اتخاذ می‌کنند. یادمان باشد که ترامپ در گذشته اروپایی‌ها را تحقیر کرده و از آنها به عنوان دنباله‌رو آمریکا و نه هم‌پیمانان این کشور یاد می‌کند

❏ جریان‌های افراطی همسویا ترامپ

در سال‌های اخیر، چندین جریان سیاسی در اروپا به شدت تحت تأثیر سیاست‌ها و ایده‌های ترامپ قرار گرفته‌اند. این جریان‌ها معمولاً بر مسائل ملی‌گرای، ضد مهاجرت و انتقاد از اتحادیه اروپا تمرکز دارند. برخی از این احزاب عبارتند از:

حزب آزادی اتریش: این حزب راست‌گرای افراطی در اتریش، به شدت از سیاست‌های ترامپ حمایت می‌کند. این حزب بر روی موضوعاتی چون مهاجرت و ملی‌گرایی تمرکز دارد و سعی دارد با استفاده از احساسات ضد‌مهاجرتی در جامعه اتریش، پایگاه اجتماعی خود را تقویت کند. در صورت انتخاب دوباره ترامپ، این حزب می‌تواند به دنبال تقویت روابط خود با آمریکا باشد.

جبهه ملی فرانسه (RN): تحت رهبری مارین لوپن، جبهه ملی فرانسه نیز به شدت از ترامپ الهام می‌گیرد. لوپن همواره بر سیاست‌های ضد‌مهاجرت و ملی‌گرایانه تأکید کرده و به دنبال کاهش نفوذ اتحادیه اروپا در امور داخلی فرانسه است. انتخاب دوباره ترامپ، می‌تواند به او کمک کند تا محبوبیت خود را در میان رای‌دهندگان فرانسوی افزایش دهد.

حزب عوام (PVV) در هلند: این حزب به رهبری خیرت ویلدرز، به شدت منتقد اتحادیه اروپا و به دنبال تقویت ملی‌گرایی در هلند است. ویلدرز همواره بر خطرات مهاجرت و تهدیدات فرهنگی تأکید و از رویکردهای ترامپ استقبال کرده است.

حزب بریتانیا اول (UKIP): این حزب که بر خروج انگلیس از اتحادیه اروپا تمرکز دارد، نیز از رویکردهای ترامپ استقبال کرده و به دنبال ترویج سیاست‌های ملی‌گرایانه است.

❏ سیاسیون افراطی

در این میان برخی از کارشناسان معتقدند که پیروزی ترامپ جایگاه سیاسی رهبران منتخب راست افراطی اروپایی را تقویت خواهد کرد. ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان افکار مشابهی با ترامپ دارد و سیاست‌های ضد‌مهاجرت و ملی‌گرایانه را ترویج می‌دهد. او در میان رهبران اتحادیه اروپا استثنا و یک چهره غیرمعمول محسوب می‌شود. یکی از اصلی‌ترین متحدان بالقوه دونالد ترامپ، جورجیا ملونی، نخست‌وزیر ایتالیا است. وی در صورت انتخاب مجدد ترامپ، یک متحد ایدئولوژیک حاکم در آن سوی اقیانوس اطلس خواهد داشت. بسیاری بر این باورند که دیدگاه‌های مشترک او (ملونی) در مورد موضوعات مختلفی مانند مهاجرت تا سقف جنین و روابط نزدیک او با ایالات ماسک، مالک تسلا و از نزدیکان رئیس‌جمهور آمریکا، می‌تواند او را به «هم‌رتم اصلی ترامپ در اروپا» تبدیل کند. در عین حال رهبران راست‌گرا و ملی‌گرا از جمله افرادی مانند مارین لوپن، خیرت ویلدرز و دیگر رهبران احزاب افراطی به دنبال تقویت نفوذ خود در کشورهای شان هستند. برخی کشورهای شرق اروپا مانند لهستان و مجارستان که تحت رهبری احزاب ملی‌گرا هستند، ممکن است به دنبال تقویت روابط خود با دولت ترامپ باشند.

❏ شرایط تجاری و اقتصادی

انتخاب دوباره ترامپ می‌تواند تأثیرات قابل‌توجهی بر شرایط تجاری و اقتصادی اروپا داشته باشد، بسیاری از کارشناسان بر این باورند که خوابی که ترامپ برای اروپا دیده، کابوسی بیش نیست. ترامپ در دوران نخست ریاست جمهوری خود، سیاست‌های تعرفه‌ای را علیه اتحادیه اروپا به‌ویژه در زمینه‌هایی مانند فولاد و آلومینیوم اعمال کرد. این سیاست‌ها به تضعیف روابط اقتصادی آمریکا با اتحادیه اروپا منجر و باعث نارضایتی بسیاری از کشورهای اروپایی شد. یکی از مسائلی که اروپایی‌ها در این حوزه با آن مواجه خواهند شد، شرایط تجاری و اقتصادی است و می‌تواند تنش‌های تجاری بین ایالات متحده و اتحادیه اروپا را افزایش دهد.